

شر در آیین های ایرانی

شر در آیین های ایرانی قلمرو وسیعی را دربرمی گیرد. در این آیین ها متعلقات جهان از خالق تا تک تک مخلوقات به دو دسته تقسیم می شوند: خوب و بد. تمام بیماریها، آفات، حوادث و هر آنچه به نوعی آسایش انسانها را به خطر می اندازد معلول اهریمن هستند. کمی محصول زراعی، مرگ و میز دامها، کم بودن پشم گوسفندان، حتی پرش پلک چشم یا خارش یک عضو، به وسیله ی کارگزاران اهریمن به وجود می آیند. در فرگرد اول و ندیداد و یادداشتهای آن، درباره ی تقسیم موجودات به سودرسان و زیان رسان مطلبی آمده است. پلوتارک نیز در گزارش خویش چنین آورده که: به عقیده ی پیروان زرتشت هر کس جانوران زیان رسان زیاد بکشد توشه ای برای آخرت خود اندوخته است. از حیوانات و حشرات مودی می توان مورچه، مار، اژدها، موش، مگس، ملخ، وزغ و لاک پشت را نام برد. گرگ را نیز، اهریمن آفریده است.

اهریمن در آیین زرتشت

در کیش زرتشت جهان به دو قلمرو نیک و بد تقسیم می شود. اهورا مزدا و اهریمن فرمانروای این دو قلمروند. اهریمن پی در پی درصدد آسیب رساندن به آفرینش اهورامزدا برمی آید و اهورامزدا نیز همواره حمایتگر آفرینش خویش است. آموزه دو اصل و دو قلمرو در تمام ادیان ایرانی مشاهده می شود. گرچه پیروان کنونی آیین زرتشت اهریمن را کارگزاری فعال در حیات دنیا نمی دانند و نسبت هر نوع خصوصیات را جز یک|اصل| یا|نیرو| به اهریمن جایز نمی شمارند ولی تاکید اوستا و کتب متأخر بر این امر باعث شده است که آیین زرتشت دینی ثنوی به شمار آید. با ظهور اسلام تنویت به شدت مورد مخالفت قرار گرفت. در اسلام شیطان تنها یکی از آفریده های خداست که از فرمان او سرپیچی کرده، درصدد گمراه ساختن سایر آفریده ها برمی آید. با این حال هستیگز شیطان را شبیه ترین هم ردیف اهریمن در مقایسه با [اهی] دیو آسمان در هند و [مارا]ی بودایی دانسته است. هدف این پژوهش بررسی این مساله است که آیا شیطان و اهریمن یک شخصیت واحدند که در فرهنگ های گوناگون از آنها به گونه های مختلف نام برده شده است؟ و آیا دیوان در فرهنگ ایرانی همان اصبه در فرهنگ اسلامی اند؟ آیا نگرش ادیان ایرانی به اهریمن یکسان بوده است؟ چه تفاوت هایی در نگرش آنها به این موضوع مشاهده می شود؟ آیا بین اهریمن در ادیان ایرانی و شیطان در اسلام اقتدر تمایز وجود دارد که هیچگونه تطبیقی امکانپذیر نباشد؟ در آیین زرتشتی جهان دو سو دارد، در یک سو راستی(اشه) و در سوی دیگر دروغ(دروغ) قرار می گیرد. در گاتاها به اصل: اهورامزدا، سپنتامینو و انگره مینو اشاره شده است. سپنتامینو و اهورامزدا در کنار هم قرار دارند لذا به سود نیروهای نیکی سنگینی می کند. در متون پهلوی تنویت به طور آشکار مطرح می شود، اما باز هم در میان دو قدرت توازن وجود ندارد. اهریمن تنها نیرویی منفی است. او در ذات خود نیرویی آفریننده نیست، بلکه می خواهد آفرینش مثبت مینوی نیک را نابود کند لذا نیرویی فرعی و ثانوی به حساب می آید و همچنان برتری با نیروی نیک است. زرتشت پیروان خویش را از هر گونه تماس با پیروان دروغ برحذر می دارد. وی خود را «دشمن حقیقی پیرو دروغ(= دروند) و حامی قدرتمند پیرو راستی» می خواند. طبق آنچه در گاهان آمده با آنکه اهورامزدا هیچ ضدی هم عرض خویش ندارد ولی عقیده ی زرتشت بر این است که در برابر هر نیکی یک بدی وجود دارد، در برابر «اشه»، یعنی راستی،

دروغ و باطل قد علم کرده، و در برابر زندگی، مرگ ایستاده است. او از دو روان (مینو) سخن به میان می آورد. روان خوب (سپنتا) و روان بد (انگره) که در مقابل و بر ضد یکدیگرند. زرتشت همانطور که به تطهیر و تنزیه عناصر طبیعی از بدی و ناپاکی دعوت می کند، آدمیان را به گرایش به راستی و پرهیز از بدی و دروغ می خواند. او عقیده دارد که این ضدیت و دوگانگی بین خوبی و بدی از ابتدای خلقت وجود داشته است.

زرتشت به طور تلویحی به پیدایش انگره مینو از اهورامزدا اشاره دارد. در گاهان انگره مینو به عنوان اصلی مستقل در برابر اهورامزدا قد علم نمی کند. آنطور که زرتشت در گاهان بیان کرده است، روشن می شود که مینوی بدی چگونه یا به هستی گذاشت و به خطا رفت اما اینکه دروغ چگونه ریشه گرفت هیچگاه روشن نشده است. فقط اینطور بیان می شود که او از آغاز بوده است و با اینکه ستیز میان راستی و دروغ، جهان بینی زرتشتی را کاملاً تحت الشعاع قرار می دهد ولی منشا دروغ روشن نیست.

از تعالیم زرتشت چنین برمی آید که هر دو مینو تحت فرمان اهورامزدا هستند ولی هر کدام به طور مستقل و برضد یکدیگر فعالیت می کنند. همه خیرها از سپنتا مینو و همه شرها از انگره مینو ناشی می شود. جهان صیحه ی مبارزه ی این دو است.

دو گوهر همزاد یا دوگانه ایران باستان

ثنویت ایران قدیم بر اساس عقیده ای جدال دائم دو اصل اساسی «اورمزد» (اهورامزدا) که نیکی است یا «اهریمن» (انگره مینو) که شر است، استوار است. این دو اصل اساسی همزاد بودند و در آغاز زمان، می بایست بین خوب یا بد یکی را انتخاب می کردند. اهریمن بدی را انتخاب کرد و اورمزد نیکی را. اهریمن پهلوی یا انگره مینوی اوستایی، به معنای مینوی ستیزگر و دشمن است که سر کرده ی دیوان و برترین دشمن هرمزد به شمار می رود. نام او در گاهان یکبار آمده است. دروندیداد او «دیوان دیو» است و «دروچی» است که در شمال زمین زیست می کند و نیزنگ باز است و مرگ آفرین و بر دروازه ی دوزخ است.

جهان اهریمن، جهان تاریکی است (جهان زیرین) که در مقابل جهان برین یا جهان روشنی قرار دارد. او آفریننده تمام چیزهایی است که دشمن آفرینش هرمزد است و اوست که «آزی دهاک» می آفریند و به مردمان بیماری می بخشد ولی سرانجام شکست خواهد یافت. ثنویت موجود در تعبیر اسطوره ای کلام زرتشت در اوستا، ذهن متدینان و اندیشمندان زرتشتی را چندان به خود مشغول کرد که مذهب کلامی تازه ای توسط «زروانیان» به وجود آمد که آن دو گوهر همزاد را که اصل خیر و اصل شر محسوب می شوند، مولود زروان می خواند و بدینگونه از ثنویت زرتشتی به نوعی وحدت را می جوید. اصل اسطوره زروانی مربوط به تولد و همزاد آسمانی است (اهریمن و اورمزد) بنابراین اسطوره، زروان می خواست پسری داشته باشد و بدین منظور مدتها در این راه قربانی کرد اما شک بر او مستولی شد که آیا هرگز از او اولادی به وجود خواهد آمد؟ پس از این شک بود که اهریمن را آبتن شد که سیاه و بدبو بود و پس از آن دومین همزاد که اورمزد و سفید و خوشبو بود به دنیا آمد. چون اهریمن اول یا به عرصه ی وجود گذاشت، می توانست ادعای ارشدیت کند و پدرش زروان حاکمیت نصف دنیا را به او داد و او شاه آن قسمت شد. اما اورمزد شهریار والا، پادشاه شد و نصف دیگر به او واگذار گردید که سرانجام روزی بر همزادش قالب می گردد.

اهریمن در مانویت

در مانویت نیز اهریمن مطرح است و لیکن به صورت عاز مطرح می شود. عاز رهبر لشکر و دیوی بزرگتر از اهریمن است. او و متحدانش توسط نیروهای روشنی در بند شده و به آسمان بسته شده اند اما وی از فراز آسمانها سقوط می کند و در نتیجه خشم و غضب و زنا و سقط جنین به راه می افتد. دیوان ماده فرزندان هیولا مانند به دنیا می آورند و روی زمین می خزند و میوه ها را می بلعد. این میوه ها که توسط عاز آلوده گشته آنها را از شهوت لبریز می کنند آنها هم با هم آمیزش می کنند و به این ترتیب جهان دیوی، به شکل وحشت آوری شروع به گسترش می کند. عاز سقط شده گان را می بلعد تا از آنها دو مخلوق اولیه را پدید آورد. نتیجه ی این روند آفرینش اولین مرد است. او تمام گناهان دیوان را از آنها به ارث برده، اما ذراتی از نور نیز در بدنش زندانی است که روح او را تشکیل می دهد. اولین زن نیز به همین ترتیب به وجود می آید. او بی ارزشتر، فاسدتر و گناه آلوده تر است. شورش عاز در نوشته های مانوی به شکل شهوت مجسم شده است البته از مسئله حرص او نیز غفلت نمی شود. او همه دیوان تازه متولد شده را می بلعد تا اولین زن و مرد را بیافریند. در قطعات مانوی عاز اصل بدی است، او در سه صورت متجلی می شود:

۱- به عنوان اغفالگری که جسم انسان را به روی سرنوشت ماورائی اش می بندد.

۲ و ۳- به عنوان شهوت و حرص.

زایش ابزاری است برای ساختن مداوم جنس نور در ماده، در حالی که در زرتشتیگری زایش عملی است مقدس.

آیین زروان، بین این دو است، چون در این آیین انسان در نابودی شر نقشی ندارد.

اهرمین در اسلام

در اسلام به جای اهریمن با واژه ی شیطان رو به رو هستیم. در اسلام، شیطان مخلوق خداست. مخلوقی که از فرمان خلق خویش سرپیچی و عصیان ورزید. همچنین او صاحب قلمروی در جهان تکویم نیست. قلمرو او تشریح می باشد.

او تنها می تواند با نفوذ در اندیشه ی بشر و وسوسه ی او در فعالیت های تکلیفی بشر دخالت کرده و او را گمراه سازد. او می تواند باطل را حق و زشت را زیبا جلوه دهد. تسلط او بر بشر محدود به اختیار بشر است. او تنها بر کسانی سلطه خواهد داشت که ولایت و سرپرستی او را بپذیرند. از قرآن چنین برمی آید که قدرت اضلال و گمراهی را خدا به شیطان عطا کرده است. تا بدینوسیله انسانها را محک زده، مورد آزمایش قرار دهد.

در آیین زرتشت و اسلام از این جهت که اهورامزدا و الله را آفریدگار یگانه ی عالم مادی به شمار می آورند به یکدیگر شبیهند و از آن جهت که در اسلام الله آفریدگار مطلق جهان است ولی در آیین زرتشت اهریمن در جهان مینوی صاحب آفریدگانی است با یکدیگر متفاوتند. اهریمن زرتشت و شیطان اسلام در اینجا از هم متمایز می شوند که اهریمن وجودی است که با خلق لشکریانی بر ضد اهورامزدا می ایستد و با او به مبارزه برمی خیزد ولی شیطان اسلام چنین قدرتی نیز ندارد او نمی تواند موجودی را خلق کند اصحاب و یاران او کسانی هستند که فریب او را خورده اند. گرچه او صاحب فرزندانی نیز هست که لشکریانش را تشکیل می دهند.

لذا جایگاه شیطان در اسلام، جایگاهی نیست که بتواند با خدا به مبارزه برخیزد. بلکه هدف او مبارزه با انسان و انتقام گرفتن از اوست. این در حالی است که اهریمن در آیین زرتشتیگری متاخر با هدف مقابله با اهورامزدا دست به آفرینش می زند و اگر به انسانها نیز صدمه وارد می کند برای خصومت و دشمنی با اهورامزدا است.

اهورامزدا چیزی را از روی خیر با عنوان سپنتمانو می آفریند ضد آن چیز هم پیدا می شود یا متصور می شود که توام با اوست. پس شریانی که مشاهده می شود یا از نفی شیء است یا از نقص آن و خدا شر خلق نکرده است. و پاسخ آخر اینست که اهورامزدا او را آفرید تا مردم بدینوسیله اندیشه ی خویش را به کار گیرند و به اختیار خود نیکی را برگزینند. اما در آخر الزمان اهریمن ضعیف شده و دیگر قدرت دخالت در آفرینش اهورامزدا را نخواهد داشت.

در اینجا به دلیل ابطال کلام بطور خلاصه به اهریمن در زرتشتیگری متاخر، اشاره خواهیم کرد. در اوستای متاخر، اهریمن دارای جوهره ی قدیم می باشد و آفریده ی اهورامزدا نیست. اما در گاهان انگره مینو (اهریمن) مخلوق اهورامزدا معرفی شده است. و این مسئله نقطه ی تفاوت زرتشتیگری نخستین و متاخر است. اما به هر حال چه در گاهان و چه در اوستای متاخر اهریمن خالق نیمی از مخلوقات جهان است و فرمانروای بخشی از آفرینش که قلمرو اوست به شمار می آید.

در اسلام شیطان، خود یکی از مخلوقات خداست که او را بنا بر حکمتی خلق کرده است. قلمرو شیطان در اسلام در زمینه ی تشریح است به تکوین، یعنی تنها می تواند در فعالیت های تشریحی و تکلیفی بشر دخالت کند و در وجود او نفوذ کند. در واقع غرضه ی عمل و فعالیت ابلیس در ادراکات انسانی است در حالی که انسان افکار و ادراکات را از خود می داند. به بیان دیگر تصرف شیطان در انسان تصرف طولی است و با عمل خود انسان منافات ندارد.

در اسلام شیطان نقشی در آفرینش ندارد. خلقت هیچ چیزی به شیطان نسبت داده نمی شود. در قرآن ملائکه واسطه ی انفاذ مشیت الهی معرفی شده اند اما شیطان چنین نقشی را هم به عهده ندارد. چه رسد به آنکه در خالقیت دخالت مستقل داشته باشد. لذا شیطان اسلام به هیچ وجه با اهریمن ادیان ایرانی یکی نمی باشد. شاید بزرگترین شباهت شیطان اسلام و اهریمن ادیان ایرانی این باشد که هر دو سرلشکر شرور و عامل گمراهی انسانند. اما این دو در خصوص میزان اختیار و قدرت عمل اقتدر با هم متفاوتند که نمی توان آنها را یکی دانست. در زرتشتیگری نخستین و آیین زروان اعتقاد بر این است که اهریمن و همراهان او ذاتاً و فطرتاً بد نیستند و بد آفریده نشده اند بلکه با اختیار خود به بدی گراییده اند. در اسلام نیز خداوند ابلیس را بد خلق نکرده است، او خود پس از سالها عبادت از فرمان حق سرپیچی کرده و از درگاه حق رانده شد.

در زرتشتیگری متاخر و آیین مانوی اهریمن دارای جوهره ی بد می باشد. لذا از ابتدا بد و خبیث بوده و تا انتها بد نیز خواهد بود. در آیین زرتشت و زروان سلاح اهریمن «از» دانسته شده است. در اسلام سلاح اهریمن «وسوسه» است. اوسیا و وسوسه در روح ادیان نفوذ کرده و آنها را به امور زشت و بد وا می دارد. در آیین زرتشت اینطور مطرح شده که اهریمن در لحظه لحظه ی جریانات عالم حضور دارد و دمی دست از سر آفریده های اهورایی بر نمی دارد. در اسلام نیز شیطان از خدا مهلت گرفته که تا روز قیامت به اغوای انسانها بپردازد و لذا لحظه ای دست از سر انسانها برنداشته از کوچکترین امکان برای گمراه کردن آنها استفاده می کند.

اما در اسلام همچون ادیان دیگر سرانجام شیطان نابودی و دوزخ است. او و پیروانش تا ابد در دوزخ خواهند ماند. با این وجود اختلاف در جهان بینی ها باعث تفاوت های عمیق در ارتباط با این ذات گمراه کننده در آیینهای ایرانی و اسلام شده است. به طوری که منطبق کردن آنها را با یکدیگر بسیار مشکل ساخته است.

فهرست منابع:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- رضی، هاشم، آیین معان، پژوهشی درباره ی دینهای ایرانی، تهران- انتشارات سخن، ۱۳۸۳
- ۳- بنویست، امیل، دین ایرانی بر پایه ی متنها مهم یونانی، بهمن سرکاراتی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۴
- ۴- مشیت ها: ابراهیم پور داوود، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷
- ۵- وندیداد، هاشم رضی، تهران، انتشارات فکر روز، ۱۳۷۶
- ۶- شاکه، شافول، از ایران زرتشتی تا اسلام، مرتضی نایب فر، تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۸۱
- ۷- گاتاه، گزارش حسین وحیدی، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۰
- ۸- اوستا، جلد اول، گزارش و پژوهش جلیل دوست خواه، تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۷۵
- ۹- بهار، مهرداد، پژوهشی در اساطیر ایران، تهران: انتشارات کتاب گزیده، ۱۳۷۵
- ۱۰- زرین کوب، عبدالحسین، در قلمرو وجدان، تهران: انتشارات سروش، ۱۳۷۵
- ۱۱- ناس، جان بی، تاریخ جامع ادیان، علی اصغر همت، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵
- ۱۲- زرن، آرسی، طلوع و غروب زرتشتیگری، تیمور قادری، تهران، انتشارات فکر روز، ۱۳۷۵
- ۱۳- مهرین، مهرداد، دین مزدایی، تهران، انتشارات فروهر، ۱۳۷۴
- ۱۴- زرن، آرسی، زروان یا معمای زرتشتیگری، تیمور قادری، تهران، انتشارات فکر روز، ۱۳۷۴
- ۱۵- mircea Eliade, editor in chief: the Encyclopedia of religion, macmillian an publishing company, new york